بررسی کلام ابن جزری در النشر

شاگرد: کتاب چند جلدی است؟

استاد: این پنج جلدی است. ظاهراً در دو جلدی ها حدوداً صفحه دوازده و سیزده می‌شود. النشر معروف دو جلدی است. صفحه دوازده و سیزده می‌شود. در پنج جلدی، جلد اول، صفحه ۱۴۰ می‌شود.

> وَقَدْ شَرَطَ بَعْضُ الْمُتَأَخِّرِينَ التَّوَاتُرَ فِي هَذَا الرُّكْنِ وَلَمْ يَكْتَفِ فِيهِ بِصِحَّةِ السَّنَدِ، وَزَعَمَ أَنَّ الْقُرْآنَ لَا يَثْبُتُ إِلَّا بِالتَّوَاتُرِ، وَإِنَّمَا جَاءَ مَجِيءَ الْآحَادِ لَا يَثْبُتُ بِهِ قُرْآنٌ، وَهَذَا مَا لَا يَخْفَى مَا فِيهِ، فَإِنَّ التَّوَاتُرَ إِذَا ثَبَتَ لَا يُحْتَاجُ فِيهِ إِلَى الرُّكْنَيْنِ الْأَخِيرَيْنِ مِنَ الرَّسْمِ وَعَيْرِهِ إِذْ مَا ثَبَتَ مِنْ أَحْرُفِ الْخِلَافِ مُتَوَاتِرًا عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَجَبَ قَبُولُهُ وَقَطْعُ بِكَوْنِهِ قُرْآنًا، سَوَاءٌ وَافَقَ الرَّسْمَ أَمْ خَالَفَهُ وَإِذَا اشْتَرَطْنَا التَّوَاتُرَ فِي كُلِّ حَرْفٍ مِنْ حُرُوفِ الْخِلَافِ انْتَفَى كَثِيرٌ مِنْ أَحْرُفِ الْخِلَافِ الثَّابِتِ عَنْ هَؤُلَاءِ الْأَئِمَّةِ السَّبْعَةِ وَعَيْرِهِمْ وَقَدْ كُنْتُ قَبْلُ أَجْنَحُ إِلَى هَذَا الْقَوْلِ، ثُمَّ ظَهَرَ فَسَادُهُ وَمُوَافَقَةُ أَئِمَّةِ السَّلَفِ وَالْخَلَفِ.[1]

«وَقَدْ شَرَطَ بَعْضُ الْمُتَأَخِّرِينَ»؛ خیلی جالب است، شاگرد او نویری می‌گوید این قول حادث است. اما ابن جزری که می‌خواهد حرف خودش را بگوید برعکس می‌گوید. می‌گوید **«و قد شرط بعض المتاخرین التواتُرَ في هذا الرُّكْنِ»**؛ او می‌گوید همه تواتر گفته‌اند اما این می‌گوید... . این جور جاها معلوم می‌شود با اینکه همه اینها اهل فن هستند، اما آدم متوجه می‌شود که بحث روی محور واحد دور نمی‌زنند. هر کدام به یک جهاتی نظر دارند. نمی‌خواهند دروغ بگویند. بحث ذو شئون است، او یک جهت را نظر می‌کند و این را می‌گوید و دیگری هم جهت دیگری را نظر می‌کند و آن را می‌گوید. اینها به ما مربوط می شود تا به آن برسیم.

شاگرد: منظور ایشان از رکن چیست؟

استاد: می‌گویند برای اینکه قرائت معتبر شود به سه رکن نیاز است. اول اینکه موافق رسم مصحف عثمانی باشد. دوم با عربیت موافق باشد و در زبان عربی غلط نباشد. سوم متواتر باشد یا صحت سند داشته باشد. ابن جزری بعد از اینکه صحت سند را می‌گوید، می‌گوید:**«وَقَدْ شَرَطَ بَعْضُ الْمُتَأَخِّرِينَ التَّوَاتُرَ فِي هَذَا الرُّكْنِ»**؛ در رکن سوم که صحت سند بود. می‌گوید گفته صحت سند کافی نیست، باید متواتر باشد.

«وَلَمْ يَكْتَفِ فِيهِ بِصِحَّةِ السَّنَدِ»؛ که قبلاً من گفته ام صحت سند کافی است.**«وَزَعَمَ أَنَّ الْقُرْآنَ لَا يَثْبُتُ إِلَّا بِالتَّوَاتُرِ»**؛ قرآن تنها با تواتر ثابت می‌شود.**«وَإِنَّمَا جَاءَ مَجِيءَ الْآحَادِ لَا يَثْبُتُ بِهِ قُرْآنٌ، وَهَذَا مَا لَا يَخْفَى مَا فِيهِ»**؛ چرا؟ استدلال ایشان را ببینید. الآن من با استدلال او کار دارم. بعد برگردیم به استدلال آن بزرگوارها.

[1]النشر في القراءات العشر ج ١ ص ١٣

بازبینی #2
ایجاد شده 23 آوریل 2024 14:54:43 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 مه 2024 10:23:07 توسط ... .